



یادداشت

حسن بهشتی زور

ایران و آژانس، نیازمند دیپلماسی جدید

از چهارشنبه تا جمعه، ۲۸ تا ۳۰ آبان (مصادف با ۱۹ تا ۲۱ نوامبر) نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برگزار خواهد شد. این نشست در شرایطی برگزار می‌شود که رافائل گروسی، مدیر کل آژانس پیش از آن دو گزارش درباره برنامه هسته‌ای ایران منتشر کرده و بخش‌هایی از آن روز جمعه در رسانه‌ها منعکس شده‌است. این نخستین گزارش گروسی پس از درخواست آلمان، انگلیس و فرانسه برای فعال‌سازی «اسنپ‌بک» و پایان مهلت یک‌ماهه از ۲۸ آگوست ۲۰۲۵، با صدور بیانیه رسمی دبیرخانه سازمان ملل، از ششم مهر (۲۸ سپتامبر) عملاً هفت قطعه‌نامه شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور ملل متحد احیاء شد.

با در نظر گرفتن این واقعیت که با پایان یافتن دوره ۱۰ساله اعتبار قطعنامه ۲۳۲۱ شورای امنیت در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۶ مهر ماه)، مأموریت گزارش‌دهی مدیر کل آژانس درباره راستی‌آزمایی و نظارت تحت این قطعنامه نیز به پایان رسیده‌است، محتوای گزارش گروسی به شورای حکام در روز چهارشنبه و تصمیم‌گیری مهم اعضای این شورا، در پیچهای تازه برای درک روند آینده همکاری‌های ایران با آژانس خواهد گشود.

بر اساس آنچه از گزارش فصلی رافائل گروسی به شورای حکام منتشر شده‌ است، ایران تا اول خرداد ۱۴۰۴ (۲۲ می ۲۰۲۵) برای بازرسان تعیین شده از سوی آژانس ویزای بلندمدت صادر کرده، فضای کاری مناسبی در اختیار آژانس گذاشته و استفاده از فضای کاری در مکان‌های نزدیک به تأسیسات هسته‌ای را تسهیل کرده بود، اما پس از حمله آمریکا به تأسیسات نطنز، فردو و اصفهان، ایران دیگر ویزای یک‌ساله چند بار ورود برای بازرسان آژانس صادر نکرد؛ با این حال ، همچنان فضای کاری مناسب در مکان‌های نزدیک به تأسیسات آسیب دیده را در اختیار آژانس گذاشت. در همین راستا ایران در ۲۲ خرداد (۱۲ ژوئن)، آژانس را از وجود یک تأسیسات غنی‌سازی جدید (تأسیسات غنی‌سازی سوخت اصفهان – IFEP) مطلع کرد و آژانس خواستار دسترسی فوری برای بررسی و راستی‌آزمایی اطلاعات طراحی آن شد که ایران با این درخواست موافقت کرد. اما به دلیل آغاز حملات نظامی آمریکا، در گزارش گروسی قید شده «هیچ فعالیت راستی‌آزمایی در این تأسیسات انجام نشده، آژانس از محل دقیق IFEP، وضعیت آن از نظر پادمان‌ها – از جمله وجود یا عدم وجود مواد هسته‌ای یا تأثیرپذیری از حملات نظامی – اطلاعی ندارد».

با توجه به این گزارش، آلمان، انگلیس و فرانسه در ادامه سیاست همسویی با آمریکا و اسرائیل، قطعنامه‌ای را برای تصویب در شورای حکام آژانس طراحی کرده‌اند که قرار است پنجشنبه یا جمعه آینده بررسی و به احتمال زیاد تصویب شود. در این شرایط، بار دیگر پرونده‌سازی هسته‌ای برای ایران در شورای حکام در نقطه حساسی قرار گرفته و نوع رابطه ایران با آژانس می‌تواند مسیرهای آینده را تعیین کند. نکته کلیدی این است که اگر هدف اصلی اتحادیه اروپا بازگشت به مسیر صلح و دستیابی به توافق از طریق مذاکره است، صدور قطعنامه هشت ماده‌ای که بازگشت به دوران بحرانی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ را تداعی می‌کند، تکرار مسیر نادرست گذشته است. زیرا اقدام‌های رادیکال در مقابل ایران، واکنش‌های تندی در رایه دنبال خواهد داشت و حتی همکاری نیم‌بند کنونی نیز متوقف خواهد شد.

تروئیکای اروپایی با در نظر گرفتن این واقعیت که بازگشت به قطعنامه‌های بی‌اعتبار شده در دهه گذشته نه مقدور است و نه راه‌گشا، باید به سمت ارائه پیشنهادهای جدیدی برای رسیدن به سازوکار همکاری میان ایران و آژانس حرکت کند. ایران و آژانس امروز نیاز دارند با توجه به شرایط ایجاد شده پس از حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، به مدالیته جدیدی برای همکاری دست یابند، زیرا حمله آمریکا به تأسیساتی که زیر نظر آژانس بودند، اعتبار پیمان ان‌پی‌تی و اساسنامه آژانس را – که از حقوق کشورها در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای دفاع می‌کند – زیر سؤال برد. شورای حکام حتی برای احیای اعتبار از دست رفته آژانس، از تصویب قطعنامه پیشنهادی برای محکومیت حمله آمریکا خودداری کرد و بار دیگر نفوذ قدرت‌ها بر این شورا را به نمایش گذاشت.

در نقطه مقابل، ایران نیز باید این واقعیت را بپذیرد که اگر حفظ و توسعه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را هدف خود می‌داند، تعامل با آژانس نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است. زیرا آژانس تنها مرجع رسمی و بین‌المللی برای تأیید ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای است و قطع همکاری با آن، میدان را برای ادعاهای آمریکا و اسرائیل باز می‌گذارد و به گونه تنش با آژانس، به طور خودکار بر مذاکرات احتمالی ایران با اروپا و حتی کشورهای غیرغربی نیز تأثیر خواهد گذاشت.

فراخبر

سخت‌گیرانه

و «جنگ ۱۲ روزه» یکی را انتخاب کنند، ما برای هر دو آن‌ها آملگی داریم. این موضع‌گیری عراقچی محصول عدم اعتماد به طرف مقابل است که فضای غبارآلودی در عرصه دیپلماسی ایجاد کرده البته تهران تصحیح مسیر غلط گذشته را بر عهده طرف مقابل گذاشته و تأکید کرده خود برای هر سناریویی آماده است. اعلام بی‌اعتمادی به طرف مقابل در اظهارات سعید خطیب‌زاده، رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه هم مشهود بود؛ جایی که در حاشیه کنفرانس مذکور گفت: ایران اعلام کرده هر گونه مذاکره با آمریکا تنها در شرایطی انجام می‌شود که کشور کاملاً آماده باشد و به طرف مقابل هیچ اعتمادی ندارد؛ لذا اگر روزی قرار باشد در چارچوب شرایطی مذاکره با ایالات متحده اتفاق بیفتد، قطعاً یک «مذاکره مسلح» است، یعنی ما در آن به طرف مقابل هیچ اعتمادی نداریم.

■ خط قاطع مقاومت در سطح کلان حکمرانی

اظهارات مقامات دیپلماتیک جمهوری اسلامی در کنفرانس تهران بیانگر یک نکته مهم دیگر هم هست و آن هم پذیرش خط قاطع مقاومت در سطح کلان حکمرانی به جای پذیرش صلح تحمیلی، مقابل محور زیاده‌خواه غربی است. به اعتقاد بسیاری در چند هفته پیش و حتی پس از جنگ ۱۲ روزه به دلیل وجود برخی خوش‌بینی‌ها برای رسیدن به نتیجه در رابطه با غرب، نوعی سردرگمی بر دستگاه دیپلماسی سایه افکند و همین مسئله غربی‌ها را برای تحت فشار قرار دادن کشورمان ترغیب می‌کرد. با این حال پس از انتخاب علی لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و ضرورت گذر تصمیم‌ها در حوزه پرونده هسته‌ای از کانال شعام، به نظر یک نوع قاطعیت در تصمیم‌گیری برای ایستادگی مقابل طرف غربی در عرصه سیاسی حکمفرما شده‌است. اظهارات ۱۹ آبان‌ماه لاریجانی در همین چارچوب قابل تفسیر است. دبیر شورای عالی امنیت ملی در توییتی نوشت: حتی اگر به قیمت رویارویی تمام شود، با قدرت جلو وحشی‌گری مدرن می‌ایستیم. کلید کار در تغییر رویکرد غرب نهفته‌است که دست‌از تسلط طلبی بردارد؛ وگرنه تهدیدهای آمریکا تأثیری بر اراده ملی ایرانیان نخواهد داشت. این رویه دیروز از سوی مقامات ایرانی حاضر در کنفرانس تهران و به ویژه عراقچی مورد تأکید قرار گرفت، جایی که گفت: سیاست ما کاملاً روشن است. همچنان پیگیر دیپلماسی هستیم، ولی در عین حال در مقابل زورگویی و زیاده‌خواهی کوتاه نخواهیم آمد. طرف‌های مقابل بین تجربه «مذاکرات سال ۲۰۱۵» و «جنگ ۱۲ روزه» مخیر هستند اما ما برای هر دو آن‌ها آمادگی داریم.

سنتی که که در بسیاری از سیاست‌های اعمالی جمهوری اسلامی ایران در مقیاس‌های مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به وضوح قابل مشاهده است و یادآور مثل حکیمانه و معروف ایرانی: «کج‌دار و مریز!». شاید در برهه کنونی و تا اطلاع ثانوی، همین عضویت «نیم‌بند»، عدم اعلام خروج از ان‌پی‌تی و بازرسانی که تنها به اطلاعات سوخته دسترسی دارند؛ بهتر ین انتخاب برای مدیریت هزینه‌ها در فضای بین‌المللی باشد و در عین حال لازم است ما، عموم مردم، رسانه‌ها و دغدغه‌مندان ضمن رصد دقیق مناسبات بین دستگاه‌های اجرایی کشور و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و جلوگیری از تکرار خوش‌بینی‌های مغرط و اعتمادهای نابجا، به تجربه زیسته و موفقی که عقلای نظام و در رأس آنان رهبر معظم انقلاب در اعمال سیاست «کج‌دار و مریز» داشته‌اند، اعتماد کرده و باذن الله، منتظر نتایج و ثمرات آن باشیم.

مقامات لبنان باید از خود بپرسند: موضع ما نسبت به ایران بر اساس منافع ملی لبنان است یا بر اساس وعده‌های توخالی قدرت‌های خارجی؟ آیا تجربه چند دهه گذشته نشان نداده‌عرب و برخی کشورهای عربی هیچ‌گاه در روزهای سخت کنار لبنان نمی‌مانند؟ لبنان اگر به دنبال استقلال واقعی است، باید فهرست دوستان و دشمنان خود را بر پایه تجربه و واقعیت تنظیم کند، نه بر اساس فشار رسانه‌های وابسته. تجربه ثابت کرده ایران وفادارترین دوست لبنان بوده و خواهد بود. تقویت روابط با ایران برخلاف القائنات رسانه‌های وابسته به آمریکا و ارتجاع عرب، نه تهدید بلکه ضامن استقلال لبنان در برابر دخالت‌ها و تهاجم‌های خارجی است. آینده‌نگری سیاسی همین را می‌گوید و تاریخ چهار دهه گذشته نیز آن را تأیید می‌کند.

سخنان مطرح شده در کنفرانس بین‌المللی «حقوق جهانی تحت تهاجم، تجاوز و دفاع» نشان‌دهنده پذیرش خط قاطع مقاومت در سطح کلان حکمرانی به جای پذیرش صلح تحمیلی است

حتی به قیمت رویارویی



اگر روزی قرار باشد در چارچوب شرایطی مذاکره با ایالات متحده اتفاق بیفتد، قطعاً یک «مذاکره مسلح» است، یعنی ما در آن به طرف مقابل هیچ اعتمادی نداریم

«حقوق جهانی تحت تهاجم، تجاوز و دفاع» تأکید کرد دیپلماسی همچنان می‌تواند زنده باشد و راهکار نهایی برای حل و فصل اختلافات است، اما ادامه داد: ما دو تجربه در برابر خود داریم؛ مذاکرات سال ۲۰۱۵ که به توافقی منجر شد، اما برای به آن خیانت کرد و تجربه جنگ اخیر که مردم ایران با همان زبانی که با آن‌ها برخورد شد، پاسخ دادند و نتیجه‌اش را هم دیدند. طرف‌های مقابل بین تجربه «مذاکرات سال ۲۰۱۵»

نقش این نهاد در پرونده هسته‌ای ایران گفت: نخستین مرکزی که اسرائیل بمباران کرد، کارخانه تولید سوخت صفحه‌ای برای راکتور تهران بود که قرار بود صبح همان روز حمله به ایران بازرسان آژانس از تأسیسات ایران بازدید داشته باشند.

■ دیپلماسی همچنان زنده است اما ...

نقش این نهاد در پرونده هسته‌ای ایران گفت: نخستین مرکزی که اسرائیل بمباران کرد، کارخانه تولید سوخت صفحه‌ای برای راکتور تهران بود که قرار بود صبح همان روز حمله به ایران بازرسان آژانس از تأسیسات ایران بازدید داشته باشند.

و این نه یک ادعای ساده یا سخنانی برای جلب نظر و توجه، که یک اعلان رسمی از مطلع‌ترین فرد مسئول ایرانی در حوزه تخصصی انرژی اتمی است. فارغ از اینکه «رژیم جنایت‌پیشه» تا چه میزان به استیصال و جنون رسیده که برای دست و پا کردن دستاوردی ناظر بر تلاش مستمر خود در بازداشتن جمهوری اسلامی ایران در تبدیل به یک قدرت اتمی، به تأسیسات محافظت نشده‌ای چون مورد مذکور حمله‌ور می‌شود؛ میزان خیانت و خیانت‌ساختار و عوامل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نوع خود بی‌سابقه است. سازمانی بین‌المللی که وظیفه صیانت از امنیت تأسیسات و فراینده‌های هسته‌ای صلح‌آمیز اعضا را در دستور کار اولیه خود می‌بیند، اما به ابزاری برای تحمیل و انحصار دانش و قدرت هسته‌ای در

در چهار دهه گذشته، هر گاه موضوع راهبردی و حساسی مثل خلع سلاح حزب‌الله مطرح شده، ریشه آن نه در نیازهای امنیتی لبنان بلکه در دیدکتهای بیرونی بوده‌است. با این حال، هوشمندی مردم و برخی دولتمردان لبنان تاکنون اجازه نداده این خواست تحمیلی عملی شود؛ خواستی که با فشارهای سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای و حتی تهدیدهای نظامی دنبال شد اما نتیجه‌ای جز شکست برای طراحان خارجی نداشت. امروز همان فشارها با مدل جدیدی بازگشته‌اند؛ فشارهایی که مقامات لبنانی را وادار می‌کند موضوعی علیه ایران اتخاذ کنند؛ از کاهش روابط سخن بگویند یا حتی خطوط هوایی را محدود کنند. این در حالی است که منافع ملی لبنان دقیقاً در نقطه مقابل این مواضع قرار دارد. ایران برخلاف بسیاری از بازیگران هزاران کیلومتر دورتر، همیشه در لحظات سخت کنار لبنان بوده؛ چه در زمان

هدایت جاوید | برگزاری کنفرانس تهران با حضور مهمانانی از ۲۰۰ کشور، در آستانه نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (که بناست ۲۸ آبان برگزار شود) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و این در شرایطی است که اکنون تنش میان ایران و کشورهای غربی بار دیگر اوج گرفته و به ویژه ارائه‌پیش‌نویس قطعنامه‌ای جدید از سوی تروئیکای اروپایی و آمریکا علیه جمهوری اسلامی، موجی از واکنش‌ها را به دنبال داشته‌است.

در چنین فضایی، برگزاری کنفرانس «حقوق بین‌الملل تحت تهاجم، تجاوز و دفاع» به علت آشکار کردن دیدگاه سیاستمداران تهران درباره آینده تعامل با غرب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.

■ حنای بی‌رنگ چشم‌آبی‌ها

یکی از نکات برداشت شده از اظهارات مقامات ایرانی در گردهمایی دیروز، و اقلیت حذف اروپا از معادلات پرونده هسته‌ای است. به اعتقاد ناظران سیاسی، اروپای منفعل در مقام عمل به تعهدات برجامی، با فعال‌سازی اسنپ‌بک عملاً آخرین کارت بازی مقابل ایران را سوزاند و اکنون تهران در بحث مذاکرات احتمالی بعدی، نه می‌تواند روی توانایی اروپا حساب کند، نه به چشم آبی‌ها اعتماد دارد و نه اصلاً مایل است با این طرف زیاده‌خواه وارد گفت‌وگوی دوباره شود. موضوع بی‌اعتمادی جمهوری اسلامی به تصمیم‌سازان قاره سبز در سخنان دیروز چند مقام تهران مشهود بود. به طور نمونه کاظم غریب‌آبادی به صراحت تأکید کرد: تروئیکای اروپایی با اقدام‌های خصمانه اخیر خود در نیویورک و شورای امنیت، اقدام غیرقانونی در حوزه اسنپ‌بک و قرار گرفتن در کنار آمریکا ورژیم صهیونیستی، خود را دیپلماسی با ایران حذف کردند. این نکته‌ای است که محمدمرتدی، کارشناس امور راهبردی هم دیروز در گفت‌وگو با میادین به آن اشاره کرده و گفت: اروپایی‌ها تمام نفوذی را که زمانی در تهران داشتند از دست داده‌اند و هیچ نقشی در مذاکرات و برنامه هسته‌ای ندارند. ایرانی‌ها معتقدند اروپایی‌ها هیچ اعتباری ندارند و هرهم‌ای فشار بیشتر علیه ایران در اختیارشان نیست.

دیگر نکته برآمده از سخنان مقامات تهران در نشست مذکور، تأکید صریح بر بی‌اعتمادی کامل به آژانس بین‌المللی اتمی به عنوان نهاد تخصصی فعال در حوزه هسته‌ای و تقلیل جایگاه آن به عنوان یک نهاد کاملاً در خدمت منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی است. این بخش از اظهارات سیدمحمد اسلامی دیروز در رسانه‌ها بازتاب ویژه‌ای داشت. او با اشاره به

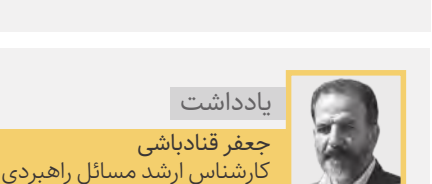


یادداشت

مجتبی خاتونی

راه تعامل با آژانس؛ کج‌دار و مریز!

در حالی که صبح دیروز، کنفرانس بین‌المللی «حقوق بین‌الملل تحت تهاجم، تجاوز و دفاع» و حضور وزیر خارجه و برخی از مقامات و نمایندگان اندیشکده‌های ایران و جهان در حوزه دیپلماسی و سیاست بین‌المللی، در تهران برگزار می‌شد، محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران در بخشی از سخنرانی خود در این نشست با اشاره به موضوع حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان به یک واقعیت تکان‌دهنده اشاره می‌کند: «اولین جایی که اسرائیل بمباران کرد کارخانه‌ای بود که سوخت



یادداشت

جعفر قنادباشی

کارشناس ارشد مسائل راهبردی

ایران، رفیق روزهای سخت لبنان

اینکه امروز لبنان دوباره در مرکز توجه منطقه قرار گرفته، اتفاق تازه‌ای نیست. سال‌هاست این کشور به میدان سیاست‌های متنوع و گاه متضاد قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده؛ میدانی که برخی بازیگران بیرونی، آن ارمحل قدرت‌نمایی خود می‌بینند و عملاً اجازه نمی‌دهند تصمیم‌گیری در بیروت بر اساس منافع ملی لبنان و خواست مردم لبنان صورت گیرد.

خودشان، حمایت حداکتری ندارند و تأثیرات در سال‌های دوم و سوم، زمزمه‌های عبور از دولت را می‌توان از این اردوگاه سیاسی شنید. انتصاب سقاب اصفهانی به ویژه نشان می‌دهد که آیا جریان اصلاحات پشت پزشکیان خواهند ماند یا از این انتصاب بهانه‌ای می‌سازند تا به سنت منسوب به خود، جامه عمل بپوشانند؛ سنتی که باید خاستگاه آن را میل به بقادر ساختار سیاسی، آن‌هم با پرهیز از پذیرش هزینه‌ها دانست.

واقعیت آنکه حمایت همه جناح‌ها از تصمیم‌های دولت، ضامن انسجام مدیریتی و موفقیت برنامه‌های ملی است. آزادی دولت برای انتخاب مدیران توانمند، نه تنها حق قانونی رئیس‌جمهور، بلکه لازمه تحقق اهداف کلان توسعه کشور است. هر گونه محدودیت یا فشار جناحی، علاوه بر تهدید منافع ملی، می‌تواند موجب ایجاد شکاف و تنش‌های غیرضروری در بدنه دولت شود؛ امری که گروه‌ها و جریان‌های سیاسی به خصوص در شرایط فعلی باید از آن پرهیز کنند. در حقیقت معیار نقد در این انتصابات آن‌هم برای دولتی که شعار وفاق و دوری از جناح‌گرایی افراطی دارد، باید نقد فنی و صلاحیت‌های تخصصی باشد نه وابستگی به جناح‌های سیاسی.

بار دیگر تأکید کرده وفاق ملی و شایستگی مدیریتی، اساس توسعه و پیشرفت کشور است. تجربه تاریخی نشان داده دولت‌هایی که بر مبنای توان و شایستگی افراد عمل کرده‌اند، موفق‌تر و مؤثرتر بوده‌اند و سیاست اخیر دولت می‌تواند ضامن ثبات و انسجام مدیریتی کشور باشد.

■ آزمون مهم اصلاح‌طلبی

به توضیحات الیاس حضرتی برگردیم، رئیس شورای اطلاع‌رسانی با بیان اینکه «همه ما امروز بر یک کشتی سوار شده‌ایم و باید برای رسیدن این کشتی به مقصد تلاش کنیم، نه اینکه در مسیر آن سنگ‌اندازی کنیم» بر ضرورت همراهی جناح‌ها برای پیشبرد برنامه‌های کلان کشور تأکید کرده و این انصافاً اصل مهمی است. انتصاب سقاب اصفهانی از همین منظر آزمون مهمی برای اصلاح‌طلبان و اصلاح‌طلبی هم هست. تن دادن گروه‌های سیاسی به معیارهای مورد پذیرش طرفین، اصل مهم تداوم امر سیاست و امر حکمرانی است به ویژه که اصلاح‌طلبان به شکل سنتی و تاریخی متهم هستند که از دولت‌های برآمده از دل

سخت‌گیرانه